

شب های تخت طاووس!

• این عریانی در خرید و فروش تن در خیابانهای پر تردد و اصلی بیش از هر چیز بر سازمان یافته بودن و تحت کنترل بودن فروش سکس در ایران صحنه می گذارد ...



اخبار روز - گزارش دریافتی: هر شب خیابان تخت طاووس بعد از ساعت ۸ شب چهره دیگری به خود می گیرد. پیاده باشی یا سواره، وقتی وارد این خیابان میشوی از همان ابتدای مسیر متوجه تراکم ماشینهای متنوعی می شوی که شتابزده برای کنار کشیدن از وسط خیابان در حال سبقت گرفتن از یکدیگر هستند. اگر برای اولین بار با این منظره مواجه شوی و از ماهیت آن اطلاع نداشته باشی فکر می کنی به اصلاح «حلوا خیرات میکنند». ولی اینجا از خیرات خبری نیست. این بازی پر پیچ و خم ماشین ها تنها تلاشی است میان مردان سواره برای خرید تن یک زن. رقابتی پر هیاهو در بازار شبانه و تحت الحفظ تن فروشان زن و ترنس هایی که خیابان مطهری یکی از پایگاههای اصلی و شناخته شده آنهاست.

اگر از نزدیک شاهد صحنه باشی خواهی دید که در معامله غیرقانونی اما علنی این بازار، فروشنده و خریدار با رضایت خیابان را ترک میکنند.

تن فروشی در این خیابان در ازای رقمی بین ۲۰ تا ۵۰ هزار تومان صورت میگیرد. رانندگان ماشینهایی که به سرعت می خواهند خود را به کانون معامله نزدیک کنند عموماً در مسیرهای میدان فاطمی، فتحی شقاقی، استاد مطهری (تخت طاووس)، سهروردی و برگشت از شهید بهشتی و مصلاي بزرگ و نیمه تمام تهران و باز خیابان مطهری در ترددند. طی دو یا سه ساعتی که در هر کجای این مسیر ۱۰ کیلومتری ایستاده باشی و به دقت خیابان را در نظر بگیری تعداد زیادی خودرو را در حال چرخش به دور محیط این مسیر مستطیلی خواهی دید. این ماشین ها عموماً تک سرنشین و یا با یک همراه هستند که با وجود زنان زیاد این مسیر شاید ساعتها به دنبال زن دلخواه خود میگردند. بنا بر آمار رسمی پلیس تهران هر زن حداکثر ۵ دقیقه از وقت خود را در خیابان منتظر مشتری می ماند، بنابراین سرگردانی این ماشین ها تنها به دلیل یافتن زن یا ترنسی ویژه است.

تمرکز و توجه این تعداد از مردان در این مسیر (که البته تنها محل بروز یا وجود چنین مرادوات و معاملاتی در کلان شهر تهران نیست) قبل از هر چیز این سوال را در ذهن شکل می دهد که این مردان به دنبال چه سطحی از ارضای نیازهای جنسی خود هستند که با چنین ولع و حساسیتی به این روشنی وارد این بازی به ظاهر خطرناک می شوند. در این شرایط که همه نهادهای حکومتی مرتبط با امنیت اجتماعی و ضابطان حفظ اصول و ارزشهای اسلامی در صدد مقابله یا پیشگیری (ولو ظاهری) از بروز چنین انحرافات در خیابان ها و اماکن عمومی هستند، این عریانی در خرید و فروش تن در خیابان های پر تردد و اصلی بیش از هر چیز بر سازمان یافته بودن و تحت کنترل بودن فروش سکس در ایران صحنه می گذارد.

حامد که خود یکی از مشتریان سکس خیابانی است معتقد است: «این زنان از سوی تعدادی از بسیجی ها حمایت می شوند». او دلیل باور خود به این موضوع را شهادت بسیاری از زنان تن فروش خیابانهای اصلی و پرمشتری می داند. حامد که هفته ای دو شب را در خیابان های تخت طاووس و عباس آباد در آمد و شد می گذراند می گوید: «تقریباً همه این زنان را حداقل یک بار سوار ماشین خود کرده و با آنها درباره قیمت و کیفیت ارائه سرویس صحبت کرده ام و در نهایت با نیمی از آنها سکس داشته ام. در ارتباط زیادم با آنها بارها شنیده ام که نیمی از درآمد خود را به مردانی می دهند که تحت عنوان بسیج یا نیروی انتظامی و ... در مسیر همان خیابانها در گردش هستند و بازار این زنان را کنترل می کنند».

مهدی که محل زندگی او در خیابان لارستان است و معمولاً شبها در پیاده رویهای خیابان تخت طاووس و ولیعصر قدم می زند در اظهار نظر مشابهی معتقد است: «گروهی از ماموران پلیس و عوامل بسیج گردانندگان اصلی روسپیگری در این مسیرها هستند.» وی که از مشاهدات خود در این ارتباط استفاده می کند می گوید: «این حمایت دولتی بسیار واضح است، چرا که زنانی که تجارت سکس می کنند با ظاهری

مشخص تا نیمه های شب بدون اینکه کسی مزاحشان شود در این مسیر پرسه می زنند. کافی است مثلا کسی آنها را به زور سوار ماشین خود کند بلافاصله سر و کله یک مامور پیدا می شود و کارشان به پایگاه بسیج یا ساختمان وزرا می کشد. هر چند همه راه فرار را هم بلدند و کافی است در طول مسیر از خیر وجه معامله بگذری و این پول را به عنوان وجه المصلحه دو دستی تقدیم پاسداران حريم ارزشهای اخلاقی کنی تا آزاد شوی».

حمیدرضا دانشجو و یکی از مشتریان این زنان است. او سرکوب ۳۰ ساله روابط جنسی را عامل اصلی گرایش مردان به این نوع نازل و بی کیفیت سکس می داند و می گوید: «همه ما عادت کردیم بدون در نظر گرفتن زشتی و زیبایی به فرمان درونی مان که می گوید فرصت را از دست نده گوش دهیم. شاید هیجان کاذب اینکه آدم کاری خلاف قانون انجام می دهد هم بی تاثیر نباشد. در ضمن این حس که با مقداری پول می توانی هر خدمتی دریافت کنی و صاحب تن زنی شوی که حق ندارد چیزی از تو بخواهد، به نوبه خود حس جالبی است که احتمالا همه مردان از تجربه آن لذت می برند.»

سویه دیگر صحبت‌های حمید را در گفت و گو با سامان می شنویم. او ساکن یوسف آباد است و حالا در خیابان فتحی شفاقی در جستجوی زن دلخواه خود می گردد.

سامان می گوید: «با شناسایی این زنان سعی در درجه بندی همکاری آنها برای ارضای خود کرده ام و به این ترتیب با داشتن شماره تلفن های آنها بسته به قیمت یا کیفیت خدماتشان با آنها تماس می گیرم. شب هایی که وقت و حوصله دارم چرخ می زنم تا به لیست خود اضافه کنم. با تمام این وسواس ها به نظر من سکس با روسپی ها مثل خوردن یک ساندویچ است. وقتی گرسنه ای به یک تکه نان هم قناعت می کنی اما مثلا همبرگر را ترجیح می دهی. حالا وقتی خیلی گرسنه باشم و کمی حوصله به خرج دهم زنی را می خرم و این همان مقوله ساندویچ و یک تکه نان است برای من.»

سامان تجربه بازداشت در همین خیابان را نیز دارد. او تعریف می کند که چگونه پس از سوار کردن یکی از زنان تن فروش توسط گشت پلیس مجبور به توقف می شود. یکی از ماموران پس از اخذ مدارک او سوار ماشین اش می شود و دستور حرکت به سمت بازداشتگاه را می دهد. اما چند خیابان آنوتر به دستور همان مامور زن تن فروش پیاده می شود و او می ماند با یک پلیس وظیفه شناس که با پنجاه هزار تومان قصه بازداشت را فراموش می کند.

دکتر پوریا که به تازگی مدرک دکتری جامعه شناسی خود را از دانشگاه تهران گرفته است پس از شنیدن بخش هایی از اظهارات مصاحبه شوندهگان، مورد اخیر را به عنوان نمونه ای از سواستفاده از زنان تن فروش توسط پلیس یا نیروی های بسیج می داند و معتقد است: «دولت، پلیس و قوه قضائیه هرگز نه توان مقابله با روسپیگری را دارند و نه علاقه ای به این کار دارند. ضمن آنکه عده زیادی از به اصطلاح خودی ها در تجارت سکس مشارکت دارند. آنها وجود این تجارت را بر خلاف ادعاهای رسمی اجتناب ناپذیر می دانند و ترجیح می دهند سود آن را به دست دیگران نسپارند. عملا هیچگاه برخورد قاطعی با زنان خیابانی نمی شود و بیشتر فشارها بر روی زنان عادی است که مثلا پوشش مورد پسند آقایان را ندارند. همین تاکید پر جنجال بر ازدواج موقت انعطاف مسئولان در مقابل سکس های خارج از خانواده و خیابانی را نشان می دهد. اینکه در ایران شبکه ای سامان یافته و منسجم قاچاق و فروش سکس وجود دارد قابل انکار نیست. اخباری که هر از چندی در رسانه ها منتشر می شود و حاکی از حراج دختران ایرانی در بازارهای عرب است دلیلی بر این مدعا است. همه ما هم می دانیم هر جا پول هنگفت باشد دست غیر خودی از آن کوتاه است. در این میان سپاه، بسیج و نیروهای امنیتی که مدعیان قدرت و مقابله با تعرض به کشور هستند، طبیعتا سهم خواهان جدی این تجارت پر سود هستند. شاید بعد از نفت و قبل از واردات و صادرات انحصاری و پولشویی، تجارت سکس پرسودترین عرصه اقتصادی است که جولانگاه خودی ها شده است.»

زنان خیابانی زیر تابلو خیابان های اصلی می ایستند. آنها از تاریکی شب نمی ترسند، آنها به خشونت جاری تن داده اند، روسپیانی که زیر تابلوهای «مطهری»، «بهشتی»، «مصلی» و «فتحی شفاقی» ایستاده اند حتی اگر گرسنه باشند می دانند چشمانی، به بهای نیمی از درآمدشان، مراقب آنها هستند. زیر این تابلوها امنیت روسپیان تضمین می شود.